

چند گله در بارهٔ نظام و انضباط

در مدرسه

نگارش آقای فوادى

شروط و بشرفت تحصیل شاگرد - انضباط و حسن آزادی
شاگرد - مسئولیت و انضباط در محیط مدرسه - مسئولیت
وجدانی و مسئولیت قانونی - سهل انگاری - مضرات سهل
انگاری و بی انضباطی - معلم مربی است - موضوع ادب -
باز خواست - نظام کلاس - مبصر و مأمور کلاس .

برای آنکه شاگرد خوب درس بخواند و از کار خویش نتیجه بگیرد شروطی چند
لازم است برای او مهیا باشد که مهمتر از همه چهار چیز است .

اول صحت جسمانی و اعتدال و استقامت قوای عقلانی .

دوم - فراهم بودن وسائل کار از قبیل تأمین معاش و لوازم تحصیل و امثال آنها .

سوم - پروگرام صحیح و عملی مدرسه که از روی مبانی متین علمی و تجربه

تدوین شده باشد .

چهارم - محیط مرتب و منظم مدرسه که هر يك از کارکنان و شاگردان تحت

قواعد و نظامات معین وارد و حسن مسئولیت را در مقابل آنها داشته باشند .

در اطراف سه شرط فوق در جرائد و مجلات بحث شده و افکار نیز بخصوص امروز

متوجه آنهاست لیکن در پیرامون شرط چهارم کمتر گفتگو بعمل آمده و لازم است

اهمیتی خاص نیز برای آن قائل شد . لغتی که این معنی را شامل باشد (چنانکه در مجلهٔ

تعلیم و تربیت نیز دیده شد) نظام مدرسه و انضباط آن است که «Discipline» در زبان فرانسه

شامل آن هم میباشد .

انضباط و آزادی - در بادی نظر انضباط و اطاعت و عبارت دیگر مقید شدن

بنظامات يك نوع اجبار بر نفس محسوب میشود چه انسان طبعاً آزاد است و میخواهد در

زندگی و کار مستقر باشد. طفل کوچک با آنکه عاجز و ناتوان است میخواهد بدون کمک راه بیفتد؛ خودش غذا بخورد؛ لباس بپوشد میخواهد مثل بزرگها برای خود شخصیتی داشته باشد و اگر بخواهند باو بفهمانند که ضعیف و ناتوان بوده و باید تحت قوانین و رسوم در آید مگر میشود و بزبان گریه گله و شکایت آغاز میکند.

لیکن زندگانی اجتماعی و سیر تاریخ بشری بر محوری قرار گرفته که انسان نمیتواند آزادی مطلق و استقلال در پیروی از امیال خود داشته باشد. انسان بحکم قوانین و رسوم اجتماعی که آنهم زادهٔ ماهیت و طبیعت نفس اجتماع میباشد مقید و مجبور است که تحت قوانین و نظامات و رسوم در آید.

روسی یکی از بزرگترین متفکرین در علم تعلیم و تربیت که بعداً فراطحس آزادی و استقلال طفل را اهمیت میدهد و محدود کردن خواهشهای او را جور و ستم فرض میکند بالاخره مجبور میشود اقرار کند که تمام خواهشهای بچه را نمیتوان انجام داد. فرض میکنیم طفل میخواهد آینه را ببیند؛ چراغ را تماشا کند؛ دست بدرخت بزند. بعقیدهٔ روسو باید در این قبیل موارد از او استقبال کرد لیکن اگر فی المثل تقاضا کند که دیوار خانه را برای میل او خراب کنیم باید عملاً باو فهمانید که حق این تقاضا را ندارد و اگر در این تقاضا اصرار بورزد باید او را بزور و جبر وادار کنیم که از آن صرف نظر کند.

مسئولیت و انضباط مدرسه - مدرسه چون یکی از تشکیلات اجتماعی است پس قانون و نظامات و رسوم شامل محیط آن نیز میباشد. کارکنان و شاگردان مدرسه باید برای پیشرفت کار بطبیع و منقاد او امر مافوق بوده روح مسئولیت و انضباط داشته باشند. مدیر - ناظم - معلم - شاگردان - مستخدم جزء هر يك دارای وظایفی هستند که باید در مقابل آن مسئول باشند. اگر مسئولیت و وظیفهٔ خود را خوب انجام میدهند دارای انضباط هستند والا گفته میشود که لاقیدند و انضباط ندارند.

دو نوع مسئولیت - مسئولیت افراد بر دو قسم است اول مسئولیت وجدانی دوم مسئولیت قانونی (رسمی - اداری) اگر کوری در راه مصادف با چاهی میشود در مقابل وجدان مسئولیم او را راهنمایی کنیم (اگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیند گناه است) و اگر نکشیم در مقابل وجدان بیشتر مسئولیم تا در مقابل قانون. يك نفر مسلول که اخلاط سپینه

را در معابر میاندازد در مقابل وجدان مقصر است بلی قانون هم میتواند او را مسئول قرار دهد (باتوینخ و جریمه و امثال آن) لیکن وجدان او را بیشتر تحت مؤاخذه قرار میدهد در این مقاله از مسئولیت نوع دوم یعنی مسئولیت قانونی و رسمی صحبت میکنیم بدون آنکه بخواهیم مسئولیت وجدانی را کوچک فرض کنیم.

سهل انگاری - در مقابل مسئولیت قانونی و رسمی بهیچوجه نباید موضوع «خودمانی» را پیش کشید. جمله‌های: «شما از بنده کار بخواهید» - «از پنج دقیقه دیر آمدن چه ضرری متوجه میشود؟» - «اینقدر هم نباید فورمالیته را اهمیت داد» و غیره نشانه سهل-انگاری و بهانه‌های کوچک «نیمه مشروع» میباشد. حال اگر کسی بگوید «ما که در عالم رفاقت بلکه برادری واردیم نباید این ایرادها و گرفت‌وگیرها بین ما باشد» بدیهی است خواسته شانه‌ازکار خالی کند و بهانه‌او بهیچوجه پذیرفته نیست. در محیط مدرسه این قبیل سهل‌انگاریها ضرر فوق‌العاده تولید میکند زیرا بچه‌ها ناظر رفتار بزرگها هستند و اگر بظاهر ایرادگیرند در دل خود خواهند گفت «چرا بزرگها از قانون و نظامات مدرسه تخلف میکنند. عذر خود را موجه میدانند لیکن عذر ما را نمیپذیرند؟» باری بر سراسل مطلب برویم مقصود ما از ایراد این مقاله مسئولیت رسمی و انضباط شاگرد است بخصوص مسئولیت شاگرد دبستان که پایه‌عادات و اخلاق او در این مرحله محکم میشود.

یکی از عادات نکوهیده که بعضی از ما را دامنگیر ساخته بهانه‌تراشی و عذر آوردن در مقابل قانون و وظیفه است چنانکه در مورد خطا اگر ما را مورد مؤاخذه قرار میدهند بدمان می‌آید؛ میرنجیم و گله آغاز میکنیم. این خلق شوم را تحولات و حوادث تاریخی بر ما تحمیل کرده است اما در این دوره بیداری و ترقی ملت و مملکت باید دست از این عادات برداریم باید وظیفه‌شناس باشیم و این در صورتی ممکن است که از محیط دبستان شروع کرده روح بی‌انضباطی و سهل‌انگاری را بکلی خاموش کنیم و نگذاریم اطفال یا مردان آینده لاقید و بی‌انضباط باریابند. باید اطفال را طوری تربیت کرد که اگر فی‌المثل بانها اخطار کنند که از پیاده‌رو بروند. در کوچه و خیابان از دحام نکنند. در مجامع موقر و مؤدب باشند با آنها برخورد و مکدر نشوند؛ وقتی بزرگ شدند اگر در اداره آنها را متوجه مسئولیت و وظیفه‌شان سازند نرنجند که شاید در مقابل دیگران خفیف شده باشند. اگر اولیا بانها نصیحت کنند در عوض

رنجش تشکر کنند بدبخت طفلی که در بزرگی بخواهد تذکر و نصیحت را از راه غیر مستقیم و کنایه بشنود و کسی با صراحت لهجه نتواند معایب او را باو بگوید.

مضرات سهل انگاری و بی انضباطی - در محیط هرج و مرج هیچ کاری را

نمی‌توان انجام داد. سهل انگاری و بی انضباطی بطور کلی در درس و اخلاق شاگرد اثر منفی می‌بخشد بطوریکه تمام کوشش معلم را خنثی می‌کند و شاگرد را بستی و کاهلی متمایل می‌سازد. شاگرد بی انضباط چون بزرگ شد زندگانش مختل و پریشان، کارش بی ترتیب، سر و وضعش درهم و برهم، قولش بی اساس، وعده‌اش بی وفا و تصمیماتش غیر عملی خواهد بود.

اگر شاگرد چند دقیقه دیر آمد، در انجام تکالیفش کوتاهی کرد، سر و صورتش چنانکه باید تمیز نبود، لباسش کثیف یا پاره بود، در گفتار بی تزاکت و در کلاس ناراحت بود باید البته از او مؤاخذه کنند (بدیهی است مقصود ما از مؤاخذه کتک و حبس نیست بلکه تثبیت بوسائل پداگوژی است) در اینصورت رفته رفته بنظم و ترتیب و انضباط عادت کرده یک جوان درست و حسابی بار می‌آید.

برعکس اگر چند روز غیبت کند و از او توضیح نخواهند و در مقابل کاهلی مؤاخذه نکنند و اگر بدخلق و بی انضباط است او را متوجه سازند رفته رفته این عادت روش او شده بی انضباطی و سهل انگاری طبیعت دوم او میشود و بالاخره در بزرگی سرگردان و بدبخت خواهد شد.

معلم مربی است - وظیفه تعلیم را از تربیت جدا نتوان کرد. اگر معلم خیال کند که وظیفه او تنها درس دادن بشاگرد است و مسئولیت تربیت او را ندارد اشتباه کرده است. زیرا چون در شاگرد نفوذ دارد او را طبعاً بتقلید از حرکات و رفتار خود وامیدارد. در دبستان و گود کستان معلم در نظر شاگرد موجودی فوق العاده و از افراد دیگر مستثنی است. شاگرد او را از لغزش و گناه منزه میدانند. در اینصورت آیا میشود تصور کرد که شاگرد مراقب رفتار او نبوده و از او تقلید نمی‌کند و زیر دست او تربیت نمیشود. پس هر معلمی باید سعی کند شاگرد خود را مطابق مفاد کلمه «انسان» تربیت کند.

ادب - یکی از شئون انسان ادب است. عالم بی ادب لا اقل نصف قدر و منزلت خود را از دست میدهد. پس اگر جاهل بی ادب باشد آنوقت چه باید گفت؟ پس معلم باید شاگرد خود را مؤدب باریاورد.

موضوع ادب نسبت بزمان و محیط فرق میکند و تعریف مختصر و تقریبی آن این است که ادب مجموع ملکات و عاداتی است که در یک جامعه مورد قبول و پسند واقع شده است. مثلاً اگر کسی در محیط ما بی لباس و برهنه دیده شود میگوید خلاف نزاکت رفتار کرده است اما در میان بوشمن های افریقا اگر کسی بالباس ظاهر شود در نظر آنها بی ادب جلوه کرده است. پس باید کلیه عادات پسندیده جامعه را در روح و فکر شاگرد رسوخ دادند بشکل درس های مخصوص بلکه بواسطه رفتار شخص معلم و تذکراتی که ضمن درس بشاگرد میدهد.

بازخواست در مورد انجام تکلیف - معلم تکلیفی در قسمت درس خود بشاگرد

میدهد که انجام دادن آن برای پایه معلومات و ملکات او ضرورت دارد اما همه شاگردان در صورت عدم بازخواست سهل انگاری میکنند و تکلیف خود را انجام نمیدهند این است که در سهای بعد از تفهیم در آخر سال از عهده امتحان برنمایند پس علاوه بر تشویق بازخواست در انجام تکلیف و حاضر کردن درس نیز لازم است. امتحان آخر سال خود یک نوع بازخواستی است که اگر شاگرد از عهده آن بر نیاید تلف کردن یکسال از عمر خویش مجازات میشود. اگر معلم جرمه یا تنبیهی در مورد سهل انگاری و کاهلی شاگرد در نظر گرفت باید مراقب اجرای آن نیز باشد و الا شاگرد بی بازخواست و تنبیه او وقتی نخواهد گذاشت. آری گاهی عفو و اغماض در مقابل خطا و سستی شاگرد مفید است و گاهی هم بعکس نتیجه میدهد چنانکه شیخ اجل فرموده است:

وقتی بلطف گوی و مدارا و مردمی باشد که در کمنند قبول او فند؛ ولی
وقتی بقهر گوی که صد کوزه نبات که گه چنان بکار نیاید که حنظلی

نظام کلاس - زمانی درس کلاس مقرون بنتیجه مطلوب میشود که شاگردان آرام

باشند و بدرس توجه کنند و برای فراهم ساختن چنین محیط آرامی درس باید جالب و جاندار باشد. این است که گاهی در مورد ملالت و خستگی شاگرد خوب است بایراد امثال و حکایات مفید و لطائف سخن پرداخته شود. لیکن گاهی اتفاق میافتد که شاگرد با اینهمه حاضر نیست بدرس توجه داشته باشد و بعلاوه مانع کار سایر شاگردان هم میشود و اختلال کلاس را فراهم میسازد، اگر در چنین موردی جلوگیری بعمل نیاید آوقت مصداق این بیت شیخ اجل ظاهر میشود که:

استاد و معلم چو بود کم آزار خرسک بازند کودکان در بازار

در چنین موزدی چه باید کرد؟ بدیهی است اول باید روحیه شاگرد را تشخیص داده سپس نوع تنبیه را درباره او تقاضا نمود. این راهم ناگفته نگذاریم که هر قدر معلم آرامتر و اعصاب او محکمتر باشد برای برپا کردن نظم در کلاس بهتر موفق خواهد شد.

مبصر و مأمور کلاس— در کلاس کلیه شاگردان در مقابل معلم دارای يك وظیفه بوده امتیازی بر یکدیگر ندارند لیکن احتیاجات کلاس و درس مأموریت‌هایی را ایجاد میکند که بعضی از شاگردان محول شود و شاگرد مأمور با آنکه امتیازی نسبت بر فقای خود ندارد لیکن در موقع انجام وظیفه حق تذکار و اخطار و شکایت را دارد و در عین حال حق ندارد از مقام خود سوء استفاده کرده رفتار را از خود برنجاند. پس باید شاگردان مأمور و غیر مأمور را بوظائف خود آشنا ساخت و آنها را طوری تربیت کرد که در مقام قانون و رسمیت مطیع باشند زیرا چون بزرگ شوند در مدرسه حیات همواره با این ترتیب مواجه خواهند بود و ممکن است بعضی از رفقای مدرسه را مصادر امور و متصدیان شغل‌های مهم بینند آنوقت خواهند توانست رفیق خود را در اداره نمایند دولت به بینند و در خارج با او از در رفاقت و صمیمیت در آیند و اگر زیر دست او واقع شدند او امر اداری او را بطوع و رغبت انجام دهند. خلاصه آنکه مدرسه کارخانه آدم سازی است و یکی از شرط آدمیت انضباط و اطاعت نظامات و قوانین است و روح انضباط و اطاعت را در مرحله اول باید دبستان در شاگردان تولید کند. سخن گرچه در این باب بسیار است لیکن مقاله ما گنجایش بیش از این را ندارد.

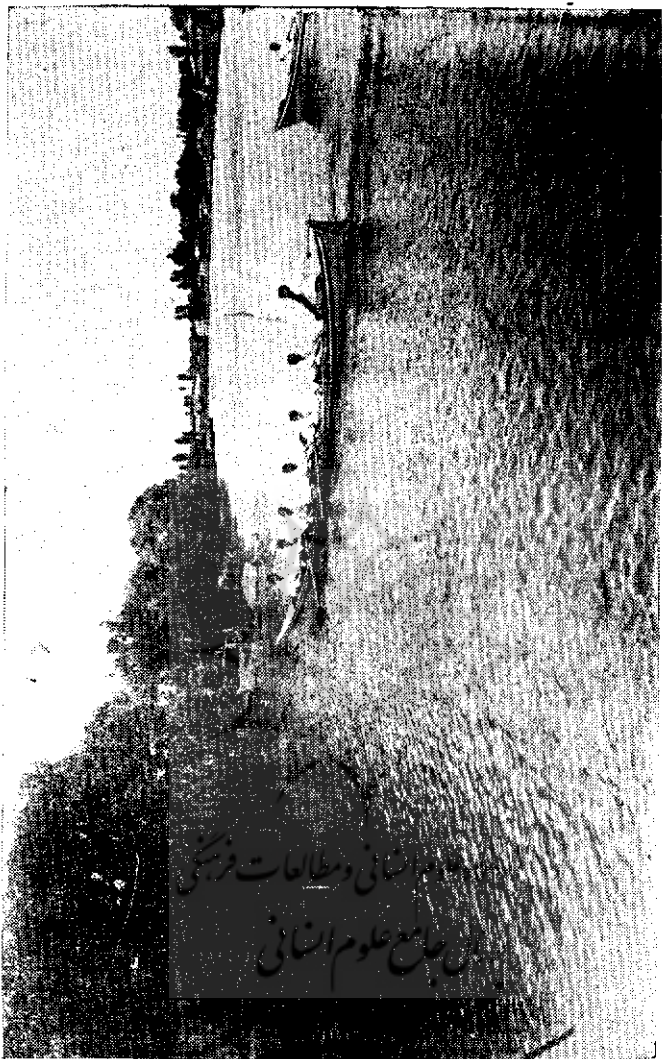
مسابقه قایق رانی

مسابقه قایقرانی بین محصلین مدارس در غالب ممالک متمدن دنیا متداول است و این امر از جمله ورزشهای معمول بشمار میرود. اخیراً در بندر پهلوی محصلین مدارس در قایقرانی مسابقه ای دادند و این مسابقه در روز جمعه بیست و ششم اردیبهشت ماه در حضور جمعی از محترمین و اولیاء شاگردان انجام گرفت.

در صفحات بعد تصاویر این مسابقه از نظر خوانندگان محترم میگردد:



مسابقه قایقرانی محصلین مدارس بندر پهلوی
شیرکت کنندگان در مسابقه منتظر فرمان حرکت هستند



مسابقه قایقرانی محصلین مدارس بندر پهلوی
شرکت کنندگان در حین مسابقه